

سبکهای دلبستگی و مقابله با تنیدگی

Attachment Styles and Coping with Stress

M. Ali Besharat, PhD
Tehran University

Behzad Shalchi
M. A. in Psychology

بهزاد شالچی
کارشناس ارشد روان‌شناسی

دکتر محمدعلی بشارت
دانشگاه تهران

Abstract

We examined the relationship between attachment styles (secure, avoidant, and ambivalent) and three strategies of coping with stress (problem-focused, positive emotion-focused, and negative emotion-focused). The Adult Attachment Inventory (Besharat, 2005; Hazan & Shaver, 1987) and the Tehran Coping Styles Scale (Besharat 2005; Carver, Shearer, & Winthrop, 1989) were completed by 120 female and 103 male Iranian students. The results revealed a statistically reliable relationship between attachment styles and coping strategies. Secure attachment style was positively correlated with problem-focused and positive emotion-focused coping styles, and negatively associated with negative emotion-focused coping style. Avoidant attachment style was positively correlated with problem-focused and negative emotion-focused coping styles. Ambivalent attachment style was positively correlated with positive emotion-focused coping style. We concluded that coping strategies are influenced by attachment styles.

Key words: Attachment theory, attachment styles, coping styles, stress.

Address for correspondence : Department of Psychology, Tehran University. e-mail : besharat2000@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه نوع رابطه سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا با راهبردهای مقابله با تنیدگی در قالب سه سبک مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی بود. ۲۲۳ دانشجوی (۱۲۰ دختر، ۱۰۳ پسر) با تکمیل فهرست دلبستگی بزرگسال (بشارت، ۱۳۸۴؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷) و مقیاس سبکهای مقابله تهران (بشارت، ۱۳۸۵؛ کارور، شیور و وینتراب، ۱۹۸۹) در این پژوهش شرکت کردند. نتایج وجود رابطه معنادار بین سبکهای دلبستگی و راهبردهای مقابله با تنیدگی را نشان دادند. همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن با سبکهای مقابله هیجان محور مثبت و مسئله محور، مثبت بود، در حالی که با سبک منفی هیجان محور، همبستگی منفی به دست داد. سبک دلبستگی اجتنابی با سبک مقابله مسئله محور و سبک مقابله هیجان محور منفی و سبک دلبستگی دو سوگرا با سبک مقابله هیجان محور مثبت، همبستگی مثبت داشت. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که راهبردهای مقابله‌ای تحت تأثیر سبکهای دلبستگی قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی : نظریه دلبستگی، سبکهای دلبستگی، سبکهای مقابله، تنیدگی.

مقدمه

نظریه دلبستگی^۱ (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) مبتنی بر این امر است که پیوندهای عاطفی نخستینی که بین کودک و مادر (مراقب) در قالب مدل‌های ذهنی^۲ درون‌سازی می‌شوند، به گستره وسیع روابط بین شخصی کودک در آینده تعمیم می‌یابند و الگوی این روابط، یعنی سبکهای دلبستگی^۳، در طول زندگی نسبتاً پایدار می‌مانند (برترتون، ۱۹۹۱؛ مین، کاپلن و کسیدی، ۱۹۸۵؛ وست و شلدن - کلا، ۱۹۹۴). در فرایند شکل‌گیری این روابط، والدین پایگاهی ایمن^۴ برای کودک فراهم می‌آورند که براساس آن تجربه‌ها سازماندهی می‌شوند و با درماندگیها مقابله می‌شود.

بالبی، اینسورت، بلهار، واترز و وال (۱۹۷۸) سه سبک دلبستگی ایمن^۵، اجتنابی^۶ و دوسوگرا^۷ را در کودکی توصیف کرده‌اند که در بزرگسالی نیز مورد تأیید قرار گرفته است (هازن و شیور، ۱۹۸۷). طبق نظر بالبی (۱۹۸۰)، دلبستگی ایمن مهارت‌های مقابله^۸، احساس ارزش و شایستگی شخصی را تقویت می‌کند، اضطراب را کاهش و ظرفیت سازش با تنیدگی را افزایش می‌دهد.

پژوهشگران (اشمیت، ناچتیگال، واتریچ - مارتون و اشتراس، ۲۰۰۲) بر این باورند که نظریه دلبستگی به چند دلیل یکی از قدرتمندترین نظریه‌ها برای بررسی و تبیین مفاهیم مربوط به مقابله است: نخست، نظریه دلبستگی می‌تواند میزان آسیب‌پذیری و سازش‌یافتگی فرد نسبت به رویدادهای زندگی را به طور قابل ملاحظه‌ای پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، نظریه دلبستگی پیش‌بینی می‌کند که چرا بعضی از افراد می‌توانند به صورت ابتکاری از یک راهبرد مقابله^۹ به راهبردی دیگر متوسل شوند در حالی که افراد دیگر از شیوه‌های بسیار انعطاف‌ناپذیر مقابله سود می‌جویند. دوم، بالبی (۱۹۸۸) معتقد است که نظام رفتاری دلبستگی^{۱۰} به هنگام تنیدگی و بیماری فعال می‌شود و می‌تواند به عنوان یک

نظام انگیزشی^{۱۱} در پویاییهای فرایند مقابله مشارکت فعال داشته باشد. سوم، نظریه دلبستگی کیفیت دسترسی به چهره دلبستگی^{۱۲} (مادر) را یکی از منابع اصلی تنوع راهبردهای نظم‌دهی به هیجانها^{۱۳} می‌داند. سبکهای دلبستگی، تعیین‌کننده قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنشهای هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کنند. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نظم‌دهی هیجانی و پردازش اطلاعات هیجانی^{۱۴} راهبردهای متفاوتی را به کار می‌برند (شیور، کولینز و کلارک، ۱۹۹۶). افراد دارای سبک دلبستگی ایمن برای نظم‌دهی به هیجانها از راهبردهایی سود می‌جویند که تنیدگی را به حداقل می‌رسانند و هیجانهای مثبت را فعال می‌سازند (میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱). افراد واجد سبکهای دلبستگی ناایمن از راهبردهای نظم‌دهی هیجانی مبتنی بر هیجانهای منفی استفاده می‌کنند، تجربه‌های هیجانی را سرکوب (اجتنابگرها) و موقعیتها را تنیدگی‌زاتر تجربه می‌کنند (دوسوگراها). مؤلفان بر این باورند که نظم‌دهی به هیجانها در چهارچوب دلبستگی بزرگسال به عنوان فرایندی «رگه مانند»^{۱۵} عمل می‌کند (فاندلینگ، ۱۹۹۸).

نظریه پردازان مفاهیم مقابله نیز در دهه‌های اخیر، بر فرایندهای نظم‌دهی هیجانی متمرکز شده‌اند (لازاروس، ۱۹۹۳). از این جهت، نظریه دلبستگی می‌تواند تفاوت‌های فردی در نظم‌دهی به هیجانها یا تنظیم عواطف را تبیین کند. فاندلینگ (۱۹۹۸) با مروری بر پژوهشهای مختلف در مورد سبکهای مختلف نظم‌دهی هیجانی، نشان داده است که در هر مرحله از فرایند مقابله، سبکهای دلبستگی بر نحوه نظارت بر توجه^{۱۶} در چهارچوب رویدادهای تنیدگی‌زا (میکولینسر و ناچسون، ۱۹۹۱)؛ پردازش اطلاعات (زاروف و فیزپاتریک، ۱۹۹۵) و دسترسی به منابع اجتماعی مقابله^{۱۷} (فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶) تأثیر

1. attachment theory
2. mental models
3. attachment styles
4. secure base
5. secure
6. avoidant

7. ambivalent
8. coping skills
9. coping strategy
10. attachment behavioral system
11. motivational system
12. attachment figure

13. emotion regulation
14. emotion information processing
15. trait-like
16. attention management
17. social coping resource

آزمون قرار گرفتند :

- ۱- سبک دلبستگی ایمن با سبکهای مقابله مسئله محور و هیجان محور مثبت رابطه مثبت دارد.
- ۲- سبک دلبستگی ایمن با سبک مقابله هیجان محور منفی رابطه منفی دارد.
- ۳- سبکهای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با سبکهای مقابله مسئله محور و هیجان محور مثبت رابطه منفی دارند.
- ۴- سبکهای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با سبک مقابله هیجان محور منفی رابطه مثبت دارند.

روش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ دانشگاه تهران بود. دویست و بیست و سه دانشجو (۱۲۰ دختر، ۱۰۳ پسر) از رشته‌های مختلف علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی، فنی و هنر داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. پس از جلب مشارکت آزمودنیها، مقیاس دلبستگی بزرگسال^۷ (بشارت، ۱۳۸۴؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷) و مقیاس سبکهای مقابله تهران^۸ (بشارت، ۱۳۸۵؛ کارور، شیر و وینتراب، ۱۹۸۹) اجرا شد. میانگین سنی کل آزمودنیها ۲۲/۳ سال با دامنه ۱۹ تا ۲۸ سال و انحراف استاندارد ۲/۱۷، میانگین سن دانشجویان دختر ۲۲/۸ سال با دامنه ۱۹ تا ۲۶ سال و انحراف استاندارد ۲/۰۶ و میانگین سن دانشجویان پسر ۲۲/۹ سال با دامنه ۲۰ تا ۲۸ سال و انحراف استاندارد ۲/۸ بود. به منظور تحلیل داده‌ها از شاخصها و روشهای آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، آزمون تحلیل واریانس چند متغیری، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاسهای زیر استفاده شده است :

فهرست دلبستگی بزرگسال (AAI) که با استفاده از

می‌گذارند. این تفاوت در سبکهای دلبستگی می‌تواند به پردازش افراطی^۱ هیجانها در افراد دو سوگرا یا به منزوی سازی یا قطع هیجانها در افراد اجتنابگر اسناد داده شود (کامین، ۱۹۹۶). اسپنگلر و زیمرمن (۱۹۹۹) از مطالعات روانی - زیست شناختی^۲ در مورد دلبستگی و نظم‌دهی به هیجانها چنین نتیجه گرفته‌اند که سبکهای انعطاف ناپذیر نظم‌دهی به هیجانها، بین سطوح متفاوت مقابله در افراد دارای دلبستگی نایمن در مقایسه با افراد ایمن مغایرت بیشتری ایجاد می‌کنند.

پژوهشهای مربوط به دلبستگی بزرگسالان (سیمپسون و رولس، ۱۹۹۴؛ سیمپسون، رولس و نلیگن، ۱۹۹۲) نشان داده‌اند که نظام دلبستگی بزرگسال نیز تحت شرایط تنیدگی‌زا فعال و موجب می‌شود که افراد دارای الگوهای ذهنی دلبستگی متفاوت براساس شیوه‌هایی که در گذشته آموخته‌اند یا تقویت شده‌اند به نظم‌دهی هیجانی و مقابله با عامل تنیدگی‌زا پردازند (سیمپسون و رولس، ۱۹۹۴؛ سیمپسون و دیگران، ۱۹۹۲؛ شیور و دیگران، ۱۹۹۶؛ فاندلینگ، ۱۹۹۸؛ فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶؛ کوبک و سیری، ۱۹۸۸؛ میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱؛ میکولینسر، فلورین و تولماز، ۱۹۹۰). این یافته‌ها نقش دلبستگی ایمن را در سدسازی علیه آثار تنیدگی، تجربه درماندگی هیجانی، و در تسهیل مدیریت هیجانهای درمانده ساز^۳ تأیید می‌کنند. بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد که در مواجهه با یک حادثه تنیدگی‌زا، دلبستگی ایمن راهبردهای مقابله‌ای سازش یافته‌تر (سبک مقابله مسئله محور^۴، سبک مقابله هیجان محور مثبت^۵) و دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) راهبردهای مقابله‌ای سازش نایافته‌تر (سبک مقابله هیجان محور منفی^۶) را فعال سازد. هدف این پژوهش مطالعه نوع رابطه سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با راهبردهای مقابله با تنیدگی در قالب سه سبک مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی بود. در این پژوهش فرضیه‌های زیر مورد بررسی و

1. excessive processing
2. psychobiological
3. distressing emotions

4. problem-focused coping style
5. positive emotional focused coping style
6. negative emotional focused coping style

7. Adult Attachment Inventory
8. Tehran Coping Style Scale

مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) تنظیم شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاسهای آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ است. ضرایب آلفای کرونباخ پرسشهای زیر مقیاسهای ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ = n؛ ۸۶۰ دختر، ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۶ و ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی^۱ خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش اعتبار بازآزمایی^۲ محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه اعتبار بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۴).

روایی محتوایی^۳ مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضریبهای همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همگرای^۴ مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاسهای «مشکلات بین شخصی» و «حرمت خود»^۵ کوپر اسمیت در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها ارزیابی شد و مورد تأیید قرار گرفت. به طوری که سبک دلبستگی ایمن با مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنادار از $r = -0/61$ تا $r = -0/83$ و $r = 0/41$ تا $r = 0/45$ و با حرمت خود همبستگی مثبت معنادار از $r = 0/26$ تا $r = 0/45$ و با حرمت خود همبستگی مثبت معنادار از $r = 0/26$ تا $r = 0/45$ (بشارت، ۱۳۸۴).

مقیاس سبکهای مقابله تهران (TCSS) یک آزمون ۶۰ سؤالی است و سه سبک مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی را در مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۴ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیر مقیاسهای آزمون به ترتیب ۲۰ و ۸۰ است. کارور، شیر و وینتراب (۱۹۸۹) اعتبار و روایی این مقیاس را طی سه مطالعه بررسی کردند. ضرایب اعتبار بازآزمایی از $r = 0/42$ تا $r = 0/67$ برای مقیاسهای مختلف تأیید شد. روایی همگرا و تفکیکی^۶ مقیاس سبکهای مقابله برحسب همبستگی بین زیر-مقیاسهای این آزمون و مقیاسهای متعدد دیگر شامل خوش‌بینی^۷، حرمت خود، سخت‌کوشی^۸، تیپ A و اضطراب بررسی و تأیید شد (کارور، شیر و وینتراب، ۱۹۸۹). برای مقیاس سبکهای مقابله تهران (بشارت، ۱۳۸۵) که در نمونه‌ای متشکل از ۴۵۷ دانشجوی دانشگاه تهران اجرا شد، ضرایب آلفای کرونباخ سبکهای مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹۱ و ۰/۸۹ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۹۳ نفر از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش اعتبار بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای سبکهای مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی به ترتیب $r = 0/71$ ، $r = 0/65$ و $r = 0/59$ که در سطح معناداری $P < 0/001$ بودند، نشانه اعتبار بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس بود.

یافته‌ها

جدول ۱ شاخصهای آماری میانگین و انحراف استاندارد

1. internal consistency
2. test-retest reliability
3. content validity

4. convergent validity
5. self-esteem
6. differential validity

7. optimism
8. hardiness

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های سبکهای دلبستگی و سبکهای مقابله دانشجویان

متغیر	دختر		پسر		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
دلبستگی	ایمن	۱۵/۳۵	۴/۹۲	۱۵/۷۶	۴/۹۳	۱۵/۵۴
	اجتنابی	۱۳/۳۴	۴/۹۶	۱۲/۸۸	۴/۷۳	۱۳/۱۳
	دو سوگرا	۱۲/۰۱	۴/۳۳	۱۱/۵۷	۳/۸۴	۱۱/۸۱
مقابله	مسئله محور	۵۷/۷۴	۸/۱۶	۵۸/۵۸	۸/۰۷	۵۸/۱۳
	هیجان محور مثبت	۶۱/۴۹	۵/۶۸	۶۱/۶۶	۵/۳۴	۶۱/۵۷
	هیجان محور منفی	۴۱/۳۰	۵/۶۷	۴۱/۱۹	۵/۶۷	۴۱/۲۵

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه آزمونیها برحسب نمره‌های سبکهای دلبستگی و سبکهای مقابله (درجه آزادی = ۱)

متغیر	میانگین مجزورها	F	معناداری
دلبستگی	ایمن	۹/۱۰۵	۰/۳۷۵
	اجتنابی	۱۱/۶۳۲	۰/۴۹۲
	دو سوگرا	۱۰/۵۸۹	۰/۶۲۳
مقابله	مسئله محور	۳۹/۵۱۴	۰/۴۴۰
	هیجان محور مثبت	۱/۶۸۹	۰/۰۵۵
	هیجان محور منفی	۰/۵۹۵	۰/۰۱۹

نمره‌های سبکهای دلبستگی و سبکهای مقابله آزمونیها را نشان می‌دهد. برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای مقایسه دانشجویان دختر و پسر در مورد نمره‌های سبکهای دلبستگی و سبکهای مقابله بررسی شد. از آنجا که نتایج تحلیل واریانس (جدول ۲) نشان دادند بین دو جنس در هیچ یک از زیرمقیاسهای دلبستگی و سبکهای مقابله، تفاوت معنادار وجود ندارد، به همین دلیل ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش برای کل آزمونیها (دختر و پسر) محاسبه شد (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین نمره سبکهای دلبستگی و سبکهای مقابله

مستله محور	هیجان محور مثبت	هیجان محور منفی
دلبستگی ایمن	۰/۳۳*	-۰/۸۱*
دلبستگی اجتنابی	-۰/۳۱**	-۰/۳۹**
دلبستگی دو سوگرا	۰/۳۶**	-۰/۵۹**

** P ≤ ۰/۰۰۰ * P ≤ ۰/۰۰۱

رگرسیون بین میانگین نمره سبک مقابله مسئله محور با سبکهای دل‌بستگی در جدول ۴، سبک مقابله هیجان محور مثبت با سبکهای دل‌بستگی در جدول ۵ و سبک مقابله هیجان محور منفی با سبکهای دل‌بستگی در جدول ۶ ارایه شده‌اند.

سپس برای تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا بر واریانس سبکهای مقابله، سبکهای دل‌بستگی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و سبک مقابله مسئله محور، هیجان محور مثبت و هیجان محور منفی به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سبک مقابله مسئله محور بر سبکهای دل‌بستگی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	شاخص			خطای استاندارد	ضریب تعیین
				F	سطح معناداری	همبستگی		
رگرسیون	۱۰۵۶۷/۱۰	۳	۳۵۲۲/۳۶	۱۹۲/۱۵	۰/۰۰۰	۰/۸۵	۰/۷۲	۴/۲۸
باقیمانده	۳۹۹۶/۱۱	۲۱۸	۱۸/۳۳					

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد B	β	t	شاخص	
					سطح معناداری	سطح معناداری
دل‌بستگی ایمن	۱/۷۸	۰/۱۸۶	۱/۰۸	۹/۵۷۷	۰/۰۰۰	
دل‌بستگی اجتنابی	۰/۵۷۴	۰/۱۶۵	۰/۳۴۴	۳/۴۷۴	۰/۰۰۱	
دل‌بستگی دو سوگرا	-۰/۰۰۵	۰/۱۴۵	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۳	۰/۹۷۳	

بر اساس نتایج جدول ۴، F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۰$) و ۷۲٪ واریانس مربوط به سبک مقابله مسئله محور به وسیله سبکهای دل‌بستگی تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که فقط دو سبک دل‌بستگی ایمن ($t = ۹/۵۷۷$ ، $B = ۱/۷۸$) و اجتنابی ($t = ۳/۴۷۴$ ، $B = ۰/۵۷۴$) می‌توانند واریانس سبک مقابله مسئله محور را به صورت معنادار تبیین کنند. یعنی کسانی که سبک دل‌بستگی آنها ایمن یا اجتنابی است، در مواجهه با تنیدگیهای زندگی بیشتر از راهبردهای مقابله مسئله محور استفاده می‌کنند.

بر اساس نتایج جدول ۴، F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۰$) و ۷۲٪ واریانس مربوط به سبک مقابله مسئله محور به وسیله سبکهای دل‌بستگی تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که فقط دو سبک دل‌بستگی ایمن ($t = ۹/۵۷۷$ ، $B = ۱/۷۸$) و اجتنابی ($t = ۳/۴۷۴$ ، $B = ۰/۵۷۴$) می‌توانند واریانس سبک مقابله مسئله محور را به صورت معنادار تبیین کنند. یعنی کسانی که سبک دل‌بستگی آنها ایمن یا اجتنابی است، در مواجهه با تنیدگیهای زندگی بیشتر از راهبردهای مقابله مسئله محور استفاده می‌کنند.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سبک مقابله هیجان محور مثبت بر سبکهای دل‌بستگی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	شاخص			خطای استاندارد	ضریب تعیین
				F	سطح معناداری	همبستگی		
رگرسیون	۳۲۴۶/۴۵	۳	۱۰۸۲/۱۵	۶۷/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۶۹	۰/۴۸	۳/۹۹
باقیمانده	۳۴۸۷/۸۹	۲۱۸	۱۶/۰۰					

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد B	β	t	شاخص	
					سطح معناداری	سطح معناداری
دل‌بستگی ایمن	۰/۵۶۸	۰/۱۷۴	۰/۵۰۶	۳/۲۵۹	۰/۰۰۱	
دل‌بستگی اجتنابی	-۰/۲۰۲	۰/۱۵۴	-۰/۱۷۸	-۱/۳۰۸	۰/۱۹۲	
دل‌بستگی دو سوگرا	۰/۷۵۷	۰/۱۳۵	۰/۵۶۵	۵/۵۹۴	۰/۰۰۰	

مقابله هیجان محور مثبت را به صورت معنادار تبیین کنند. یعنی کسانی که سبک دلبستگی آنها ایمن یا دوسوگرا است، در مواجهه با تنیدگیهای زندگی بیشتر می‌توانند از راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت استفاده کنند.

براساس نتایج جدول ۵، F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۰$) و ۴۸٪ واریانس مربوط به سبک مقابله مسئله محور به وسیله سبکهای دلبستگی تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که فقط دو سبک دلبستگی ایمن ($B = ۰/۵۶۸$ ، $t = ۳/۲۵۹$) و دو سوگرا ($B = ۰/۷۵۷$ ، $t = ۵/۵۹۴$) می‌توانند واریانس سبک

جدول ۶: خلاصه مدل رگرسیون، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون سبک مقابله هیجان محور منفی

بر سبکهای دلبستگی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	شاخص		
					سطح معناداری	همبستگی	ضریب خطای استاندارد
رگرسیون	۴۸۶۵/۵۷	۳	۱۶۲۱/۸۵	۱۵۹/۸۱	۰/۸۲	۰/۶۸	۳/۱۸
باقیمانده	۲۲۱۲/۳۰	۲۱۸	۱۰/۱۴				

متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد B	β	t	شاخص	
					سطح معناداری	ضریب خطای استاندارد
دلبستگی ایمن	-۱/۲۴۲	۰/۱۳۹	-۱/۰۸۳	-۸/۹۷۶	۰/۰۰۰	
دلبستگی اجتنابی	۰/۲۹۰	۰/۱۲۳	۰/۲۴۹	۲/۳۵۵	۰/۰۱۹	
دلبستگی دو سوگرا	۰/۱۹۳	۰/۱۰۸	۰/۱۴۱	۱/۷۹۴	۰/۰۷۴	

خوبی می‌توانند راهبردهای سازش‌یافته مقابله مسئله محور را نیز به خدمت گیرند. در حالی که افراد دوسوگرا، در عین حال از راهبردهای سازش یافته هیجان محور مثبت و راهبردهای سازش نایافته هیجان محور منفی سود می‌جویند.

بررسی و تفسیر نتایج

یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سبک مقابله مسئله محور و هیجان محور مثبت رابطه مثبت و با سبک مقابله هیجان محور منفی رابطه منفی دارد. به عبارت دیگر افراد ایمن در مقایسه با افراد نایمن، در مواجهه با تنیدگیهای زندگی بیشتر از راهبردهای مقابله مسئله محور و هیجان محور مثبت استفاده می‌کنند و کمتر به راهبردهای مقابله هیجان محور منفی متوسل می‌شوند. این یافته‌ها که با اصول نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰) و با نتایج پژوهشهای پیشین (سیمپسون و رولس، ۱۹۹۴؛ سیمپسون و دیگران، ۱۹۹۲؛

براساس نتایج جدول ۶، F مشاهده شده معنادار است ($P < ۰/۰۰۰$) و ۶۸٪ واریانس مربوط به سبک مقابله هیجان محور منفی به وسیله سبکهای دلبستگی تبیین می‌شود. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهند که فقط دو سبک دلبستگی ایمن ($B = -۱/۲۴۲$ ، $t = -۸/۹۷۶$) و اجتنابی ($B = ۰/۲۹۰$ ، $t = ۲/۳۵۵$) می‌توانند واریانس سبک مقابله هیجان محور منفی را به صورت معنادار تبیین کنند. یعنی کسانی که سبک دلبستگی آنها ایمن است، کمتر از راهبردهای مقابله هیجان محور منفی و برعکس کسانی که سبک دلبستگی آنها اجتنابی است، بیشتر از این دسته راهبردها استفاده می‌کنند.

برحسب یافته‌های مذکور فرض پژوهش در مورد نوع رابطه سبک دلبستگی ایمن و سبکهای مقابله در هر سه سطح و فرضهای پژوهش در مورد نوع رابطه سبکهای دلبستگی نایمن (اجتنابی و دو سوگرا) به صورت جزئی تأیید می‌شوند. اگرچه افراد اجتنابگر از سبک مقابله سازش نایافته هیجان محور منفی استفاده می‌کنند، به

شیور و دیگران، ۱۹۹۶؛ فاندلینگ، ۱۹۹۸؛ فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶؛ کوبک و سیری، ۱۹۸۸؛ میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱، میکولینسر و دیگران، ۱۹۹۰) مطابقت می‌کنند برحسب چند احتمال به شرح زیر تبیین می‌شوند: نظام دلبستگی به منزله یک نظام انگیزشی در مواجهه با تنیدگیها فعال می‌شود و در فرایند مقابله با تنیدگی مشارکت می‌کند (بالبی، ۱۹۸۸). وقتی دلبستگی ایمن باشد مدل‌های درونکاری^۱ مثبت از خود و دیگران، که بر اساس ویژگیهای «پاسخگویی» و «دسترس پذیری» نگاره دلبستگی شکل گرفته‌اند و سازماندهی نظم‌جویی هیجانی را بر عهده دارند (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸)، به صورت مؤثر و سازنده در فرایند مقابله مداخله می‌کنند (شیور و دیگران، ۱۹۹۶؛ میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱). بدین ترتیب، سبک دلبستگی ایمن با تکیه بر ویژگی «پاسخگویی»، راهبردهای مقابله مسئله محور را سازماندهی و فعال می‌کند و از طریق ویژگی «دسترس پذیری»، به تنظیم راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت می‌پردازد. به عبارت دیگر، «پاسخگویی» در چهارچوب مدل درونکاری مثبت از خود و دیگران مسئولیت تنظیم شناختها را بر عهده دارد و از طریق طراحی و نقشه‌پردازی به مقابله (مسئله محور) می‌پردازد و تنیدگی را کاهش می‌دهد؛ در حالی که «دسترس پذیری» با نظم‌دهی به هیجانها و بهره‌گیری از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی به مقابله (هیجان محور مثبت) می‌پردازد تا تنیدگی کاهش یابد.

سبک دلبستگی، توجه به حوادث تنیدگی‌زا را مدیریت می‌کند (میکولینسر و ناچسون، ۱۹۹۱). سبک دلبستگی ایمن به منزله پایگاه امن درون روانی با مدیریت و مهار توجه به حوادث تنیدگی‌زا، فرد ایمن را از غرق شدن در توجه افراطی به تنیدگیها و پیامدهای درمانده ساز آنها باز می‌دارد. این مدیریت توجه به تنیدگی، کار مقابله را از مبادی ادراکی آغاز می‌کند تا اجازه ندهد تنیدگی، مهار گسیخته و مقابله با آن امکان‌ناپذیر تصور شود. مکانیزم مدیریت توجه در کنار احساس ارزش و شایستگی شخصی فرد ایمن (بالبی، ۱۹۸۰) امکانات لازم برای به

کارگیری راهبردهای مقابله مسئله محور را افزایش می‌دهند.

پردازش متعادل و منطقی اطلاعات در بستر دلبستگی ایمن (زاروف و فیزپاتریک، ۱۹۹۵) هم مکانیزم دیگری است که به سهم خود به فرد کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از راهبردهای مقابله مسئله محور مانند طراحی و نقشه‌پردازی، از این سبک مقابله برای مهار و کاهش تنیدگی استفاده کند.

سبک دلبستگی ایمن همچنین از طریق فعال سازی هیجانهای مثبت (میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱) و دسترس پذیری منابع اجتماعی مقابله (فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶) زمینه‌های لازم را برای استفاده از راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت مانند یاری‌طلبی و جستجوی حمایت‌های عاطفی و اجتماعی فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، مکانیزم «فعال‌سازی هیجانهای مثبت» و «دسترس به منابع عاطفی - اجتماعی»، افزایش استفاده از سبک مقابله هیجان محور مثبت در افراد دارای سبک دلبستگی ایمن را توجیه می‌کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی با سبک مقابله مسئله محور و سبک مقابله هیجان محور منفی رابطه مثبت دارد؛ یعنی افراد اجتنابگر در مواجهه با حوادث تنیدگی‌زای زندگی همزمان از سبکهای مقابله مسئله محور و هیجان محور منفی استفاده می‌کنند. این یافته‌ها که در مورد سبک مقابله مسئله محور جدید و اکتشافی هستند و در مورد سبک مقابله هیجان محور منفی با نتایج پژوهشهای قبلی (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ سیمپسون و رولس، ۱۹۹۴؛ سیمپسون و دیگران، ۱۹۹۲؛ شیور و دیگران، ۱۹۹۶؛ فاندلینگ، ۱۹۹۸؛ فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۷؛ کوبک و سیری، ۱۹۸۸؛ میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱؛ میکولینسر و دیگران، ۱۹۹۰) همخوانی دارند برحسب احتمالات زیر تبیین می‌شوند:

براساس مدل دلبستگی بارتولومئو و هورویتز (۱۹۹۱)، مدل‌های درونکاری افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی در مورد دیگران کاملاً منفی و در مورد خودشان ممکن

عاطفی با دیگران بتوانند از راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت مانند یاری طلبی و حمایت‌های عاطفی و اجتماعی به منظور مهار و کاهش تنیدگیهای زندگی استفاده کنند.

پیامدهای نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح مطرح کرد: در سطح نظری، یافته‌های پژوهش تأییدی است مجدد بر مفروضه‌های نظریه دلبستگی در مورد نقش سبک‌های دلبستگی و مدل‌های درونکاری در تنظیم عواطف و هیجانها. از این زاویه، مکانیزم‌های تنظیم عواطف و هیجانها صرفاً پدیده‌های درون روانی و شخصی تلقی نخواهند شد و نقش متغیرهای ارتباطی و بین شخصی، که از پیوند کودک - مادر (مراقب) آغاز می‌شود و به سایر زمینه‌های روابط بین شخصی و اجتماعی گسترش می‌یابد، برجسته و تأیید می‌شود. از جمله پیامدهای نظری یافته‌های پژوهش حاضر، فراهم‌سازی اندیشه‌ها و فرضیه‌های جدید در مورد تعیین‌کننده‌های سبک‌های مقابله است. این تعیین‌کننده‌ها (سبک‌های دلبستگی) نه تنها باعث غنی سازی مدل‌های نظری مقابله با تنیدگی می‌شوند، بلکه نظریه‌های مربوط به دلبستگی را با نظریه‌های مربوط به مقابله، مرتبط می‌کنند.

در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چهارچوب روابط مادر - کودک؛ برنامه‌های مداخله و مدیریت تنیدگی و مقابله؛ و برنامه‌های درمانی مبتنی بر روابط بین شخصی چه در قالب روابط مراجع - مراجع (مثل زوجین) و چه در قالب روابط مراجع - درمانگر، قرار گیرند.

جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیتهایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه دانشجویی بوده و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیتها باید احتیاط شود. به علاوه، مشکلات احتمالی مربوط به اعتبار مقیاس سبک‌های مقابله تهران را نباید از

است منفی (اجتنابگرهای ترسان) یا مثبت (اجتنابگرهای پردکننده) باشد. همین مثبت‌نگری مدل‌های درونکاری اجتنابگرها نسبت به خویشتن مبنای ویژگی‌هایی قرار دارد که در پژوهش‌های مختلف به عنوان استقلال، اتکاء به خود و نفی وابستگی از آنها یاد شده است (اینسورت و دیگران، ۱۹۷۸؛ بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷؛ هورویتز، روزنبرگ و بارتولومئو، ۱۹۹۳). این استقلال و اتکاء به خود به افراد دارای دلبستگی اجتنابی کمک می‌کنند تا در مواجهه با تنیدگیهای زندگی بتوانند از راهبردهای مقابله مسئله محور استفاده کنند.

از سوی دیگر، منفی‌نگری تام و تمام مدل‌های درونکاری اجتنابگرها نسبت به دیگران باعث می‌شود که این افراد نتوانند از طریق مکانیزم‌هایی مانند «فعال‌سازی هیجانهای مثبت» (میکولینسر و فلورین، ۲۰۰۱) یا «دسترس‌ی به منابع اجتماعی مقابله» (فینی و کیرک پاتریک، ۱۹۹۶) از راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت استفاده کنند و برعکس، این منفی‌نگری، باعث می‌شود افراد اجتنابگر با محرومیت از روابط و حمایت‌های عاطفی - اجتماعی، حداقل در مواجهه با برخی از تنیدگیهای زندگی، ناگزیر به راهبردهای مقابله هیجان محور منفی مانند پاسخهای خصمانه، گریز، سرکوبی تجربه‌های هیجانی و تخلیه هیجانهای منفی (بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ کامین، ۱۹۹۶؛ لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴) متوسل شوند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی دو سوگرا با سبک مقابله هیجان محور مثبت رابطه مثبت دارد؛ یعنی افراد دو سوگرا در مواجهه با حوادث تنیدگی‌زای زندگی از راهبردهای مقابله هیجان محور مثبت استفاده می‌کنند. این نتیجه پژوهش را که یافته‌ای بدیع و اکتشافی است، می‌توان به گونه زیر تبیین کرد:

دو سوگرا، برعکس اجتنابگرها، با مدل‌های درونکاری منفی نسبت به خود و مثبت نسبت به دیگران، برای صمیمیت عاطفی و روابط نزدیک با دیگران ارزش مضاعف قایل هستند و به پذیرش دیگران برای حس بهزیستی شخصی وابسته‌اند (بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). این احتمال وجود دارد که دو سوگرا با تکیه بر این نوع روابط صمیمی و

- New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980).** *Attachment and loss: Sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1988).** *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. New York: Basic Books.
- Bretherton, I. (1991).** The roots and growing points of attachment theory. In C. M. Parkes, J. S. Hinde, & P. Marris (Eds.), *Attachment across the life cycle* (pp. 9-32). London: Tavistock/Routledge.
- Carver, C. S., Scheier, M. F., & Weinrub, J. K. (1989).** Assessing coping strategies: A theoretically based approach. *Journal of Personality and Social Psychology, 56*, 267-283.
- Feeney, B. C., & Kirkpatrick, L. A. (1996).** Effects of adult attachment and presence of romantic partners on physiological responses. *Journal of Personality and Social Psychology, 70*, 255-270.
- Fuendeling, J. M. (1998).** Affect regulation as a stylistic process within adult attachment. *Journal of Social and Personal Relationships, 15*, 291-322.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987).** Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology, 52*, 511-524.
- Horowitz, L. M., Rosenberg, S. E., & Bartholomew, K. (1993).** Interpersonal problems, attachment styles and outcome in brief dynamic psychotherapy. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 61*, 548-560.
- Kobak, R. R., & Sceery, A. (1988).** Attachment in late adolescence: Working models, after regulation and representations of self and others. *Child Development, 59*, 135-146.
- Kumin, I. (1996).** *Pre-object relatedness*. New York: Guilford.

نظر دور داشت. برای بررسی دقیقتر رابطه سبکهای دلبستگی با راهبردهای مقابله با تنیدگی، پیشنهاد می شود پژوهشهایی در زمینه بررسی رابطه سبکهای دلبستگی با راهبردهای مقابله با تنیدگیهای خاص (بیماریهای طبی مزمن) انجام شود. همچنین، پیشنهاد می شود به منظور شناخت بهتر آثار آسیب زای اختلالهای دلبستگی بر راهبردهای مقابله با تنیدگی، رابطه این دو متغیر در نمونه های بالینی شامل نمونه های مبتلا به اختلالهای روان شناختی، اختلالهای شخصیت و مشکلات خانوادگی و بین شخصی، مورد بررسی قرار گیرد.

تقدیر و تشکر

از دانشجویانی که به عنوان آزمودنی در این پژوهش شرکت کردند؛ از اساتید و مسئولان ذیربط دانشکده های علوم انسانی، علوم پایه، پزشکی، فنی و هنر دانشگاه تهران که با همکاری صمیمانه آنها اجرای پژوهش امکان پذیر شد؛ و از دانشجویانی که به عنوان پرسشگر مسئولیت اجرای پژوهش را بر عهده گرفتند، تشکر و قدردانی می شود.

منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۵). *ویژگیهای روان سنجی مقیاس سبکهای مقابله تهران (TCSS)*. *مجله پژوهشهای روان شناختی*، زیر چاپ.
- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978).** *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. (1991).** Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology, 61*, 226-244.
- Bowlby, J. (1969).** *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973).** *Attachment and loss: Separation*.

- Shaver, P. R., Collins, N., & Clark, C. L. (1996).** Attachment styles and internal working models of self and relationship patterns. In G. J. O. Fletcher & J. Fitness (Eds.), *Knowledge structures in close relationships: A social psychological approach* (pp. 25-61). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (1994).** Stress and secure base relationships in adulthood. In K. Bartholomew & D. Perlman (Eds.), *Attachment processes in adulthood: Advances in personal relationships* (Vol. 5, pp. 27-52). London: Jessica Kingsley.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Nelligan, J. S. (1992).** Support-seeking and support-giving within couples in an anxiety provoking situation: the role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62, 434-446.
- Spangler, G., & Zimmermann, P. (1999).** Attachment representation and emotion regulation in adolescence: a psychobiological perspective of the internal working model. *Attachment and Human Development*, 1, 270-290.
- West, M., & Sheldon-Keller, A. E. (1994).** *Patterns of relating*. New York: Guilford.
- Zuroff, D. C., & Fitzpatrick, D. K. (1995).** Depressive personality styles : implications for adult attachment. *Personality and Individual Differences*, 18, 253-365.
- Lazarus, R. S. (1993).** From psychological stress to the emotions: A history of changing outlooks. *Annual Review of Psychology*, 44, 1-21.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984).** *Stress, appraisal and coping*. New York: Springer.
- Main, M., Kaplan, N., & Cassidy, J. (1985).** Security in infancy, childhood, and adulthood: A move to the level of representation. In I. Bretherton & Waters (Eds.), *Growing points of attachment theory and research. Monograph of the society for research in child development*, 209, pp.50, 66-104.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (2001).** Attachment style and affect regulation: implications for coping with stress and mental health. In G. J. O. Fletcher & M. S. Clark (Eds.), *Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes* (pp. 537-557). Oxford: Blackwell.
- Mikulincer, M., Florian, V., & Tolmacz, R. (1990).** Attachment styles and fear of personal death : A case study of affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 273-280.
- Mikulincer, M., & Nachshon, O. (1991).** Attachment styles and patterns of self-disclosure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 321-331.
- Schmidt, S., Nachtigall, C., Wuethrich-Martone, O., & Strauss, B. (2002).** Attachment and coping with chronic disease. *Journal of Psychosomatic research*, 53, 763-773.